

دوهفته نامه الکترونیکی هدایت

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb



معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

نشریه هدایت / شماره ۱۲ / اول مهر ۱۳۹۸



◀ تنهایی آل سعود

نمایش خنده دار وزیر دفاع رژیم آل سعود برای اثبات دست داشتن تهران برای حمله به تاسیسات نفتی آرامکو بیش از آنکه مضحک باشد ترحم برانگیز بود! سران آل سعود پس از سال‌ها تجاوز به خاک یمن و تلاش برای تسلط بر این کشور همچنان به جای اینکه پیش روی کنند و به مقاصدشان برسند روز به روز و ماه به ماه آسیب پذیرتر شده اند و هیچ دستاوردی جز مشخص شدن شکننده و آسیب پذیر بودن و نا کارآمدی میلیاردها دلار هزینه برای تسلیحات آمریکایی و اروپایی نداشته است! هر روز از جنگ یمن که گذشت جایگاه عربستان در میان کشورهای منطقه تنزل یافت و حالا جایگاه این کشور در دنیا انرژی نیز بسیار متزلزل شده است!

عربستانی اکنون که همه چیز را از دست رفته دیده‌اند و شکست در برابر محور مقاومت و تهران به عنوان قلب تپنده این محور را در برابر خود دارند اکنون در تلاش هستند با ادعاهای دروغین درباره نقش ایران و طرح مسئله امنیت انرژی پای آمریکایی‌ها و ایران را به جنگ یمن باز کنند و راه فراری آبرو مندانه‌ای برای رهایی از باتلاق یمن برای خود دست و پا کنند! تلاشی که البته راه به جایی نخواهد برد، چرا که اکنون، آمریکایی خود بیش و پیش از عربستان در برابر محور مقاومت شکست را پذیرفته‌اند! عدم واکنش آمریکا به اسقاط پهپاد فوق پیشرفته «گلوبال هاوک» که به آسمان ایران اسلامی وارد شده بود! شکست در شکل دهی به جنگ نفتکش‌ها و تحقیر انگلیس توسط جمهوری اسلامی ایران، شکست در سوریه، لبنان و دست برتر حزب الله و ایستادن تهران و بغداد در کنارهم علی‌رغم همه تلاش‌های و کارشکنی‌های آمریکایی‌ها و بالاتر از هم شکست سناریو فشار حداکثری بر ایران سران کاخ سفید را به این جمع بندی قطعی رسانده است که وارد شدن به تقابل ورود با ایران بحران بی پایان را برای ایالات متحده به وجود خواهد آورد! چنانکه «سناتور جیمز ریش»، سناتور جمهوری خواه و رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا با اشاره به تلاش‌های ریاض برای بازکردن پای آمریکا به جنگ یمن و حمله به ایران می‌گوید «ترامپ هر کاری می‌کند تا وارد جنگ (با ایران) نشود» جملاتی که نشان می‌دهد «بن سلمان» تنها تر از همیشه است!

◀ به نام آرمان ملی علیه منافع ملی

رهبر معظم انقلاب در ابتدای درس خارج خود درباره احتمال مذاکره میان تهران و واشنگتن و دیدار رئیس جمهورهای دو کشور در نشست سازمان ملل در نیویورک فرمودند: «هیچ مذاکره‌ای در هیچ سطحی بین مسئولان جمهوری اسلامی و آمریکایی‌ها اتفاق نخواهد افتاد، نه در نیویورک و نه غیر آن» حکیم انقلاب اسلامی همچنین با طرح این موضوع که «هدف آنها از مذاکره این است که به همه ثابت کنند فشار حداکثری جواب داد و مسئولان جمهوری اسلامی برخلاف آنکه می‌گفتند مذاکره نمی‌کنیم مجبور شدند پای میز مذاکره بایند» تاکید کردند: «اگر دشمن توانست اثبات کند که فشار حداکثری علاج کار ایران و مؤثر بر روی ایران است، ایران و ملت عزیز ما دیگر روی آسایش را نخواهند دید چون پشت سر همه سیاستهای مستکبرانه آمریکا این سیاست قرار خواهد گرفت و از این به بعد، هر چیزی را که قلدرانه از جمهوری اسلامی مطالبه کنند، اگر به آنها «چشم» گفتیم، مسئله تمام است اما اگر «نه» گفتیم دوباره فشار حداکثری آغاز خواهد شد.» اما با وجود این تاکید صریح و البته آنچه نتیجه مذاکره هسته‌ای در پیش روی ملت ایران قرار دارد! برخی همچنان سعی می‌کنند تا دوگانه‌ها مذاکره_معیشت را دنبال کنند! چنانکه «عبدالله ناصری» در روزنامه اعتماد ملی «تا بحث مذاکره با قدرت‌های بزرگ جدی گرفته نشود و ایران مناسبات خود را با دنیای بین‌الملل حل نکند، طبیعتاً اتفاقی هم در اقتصاد و وضع معیشت مردم نخواهد افتاد.» تلاش این جریان برای نادیده گرفتن واقعیات و قربانی کردن منافع ملی کشور! بسیار سوال برانگیز است!

◀ ضرورت حفظ یاد شهدا

حذف عنوان شهید از تابلوهای شهری تهران! موضوعی که اعتراضات فراوان مردم را برانگیخته است و شهرداری تهران دستور اصلاح تابلوهای مذکور را داده است! اما درباره چرایی این اتفاق می‌توان دو نگاه کاملاً متفاوت داشت؛ اول آنکه یک اتفاق سهوی بوده و آنگونه که شهرداری تهران اعلام کرده است تخلف پیمانکاران بوده است و دوم آنکه یک حرکت خزنه برای حذف عنوان شهید و مظاهری مقاومت و ارزش‌های اسلام و انقلاب از سطح جامعه است. از سال‌ها قبل جریان‌هایی خاص به دنبال به موزه فرستادن شهدا بوده و به دنبال آن هستند که جنگ را تنها به تاریخ تقلیل دهند، همان‌هایی که تشیع شهدا را در سطح شهر تزریق سوگواری و ماتم به جامعه می‌دانند و با دفن شهدا در دانشگاه‌ها مخالف بودند و هستند.

اینکه اتفاق اخیر نشأت گرفته از کدام یک از موارد بالاست مسئله را مهم و قابل توجه می‌کند! اگر چنین سهل انگاری‌ها شد باید با مطالبه‌گری مانع تکرار چنین سهل انگاری شد! و اگر عمدی در کار بوده است ریشه‌های این تصمیم را شناسایی کرد! و راه را برای تصمیم سازی ای افراد و جریان‌ها با این نگاه بست. نباید از این موضوع غافل شد که برچیدن و کمرنگ کردن نمادهای انقلاب و دفاع مقدس از سطح شهر موضوع ساده‌ای نیست! پیوند جامعه با نمادهای انقلابی و یادآوری و تذکر مفاهیم آن در جامعه برای یادآوری راه پیشرفت و تعالی به جامعه، برای این است که هر روز حواس‌مان باشد از حرکت در مسیر انقلاب غافل نشویم و راه گم نکنیم، بی‌تردید حذف این نمادها خواه عمدی باشد و خواه غیر عمد، نتیجه‌ای جز کمرنگ شدن مفاهیم و ارزش‌های انقلاب در جامعه نخواهد داشت.

به نام حضرت دوست

الگوی تحلیلی دفاع مقدس مبتنی بر بیانیه گام دوم**به مناسبت هفته دفاع مقدس**

اشاره: بیانیه گام دوم بر ارائه تحلیلی واقع نگر از گام اول انقلاب اسلامی استوار است و پیش شرط تحقق این مرحله را نیز همین «شناخت درست گذشته» می داند. تحلیل و ارزیابی نگارنده بیانیه دارای چهارچوب و روش ویژه ای است. از جمله مؤلفه های نظری این تحلیل واقع نگر، ابتناء بر گفتمان مقاومت است؛ به نحوی که پیروزی و پیشرفت های گام اول به دلیل پیروی از رهنامه (دکترین) «مقاومت» و ناکامی ها به دلیل انتخاب رهنامه «سازش» است. در این یادداشت، دفاع مقدس را مبتنی بر این چهارچوب نظری مورد تحلیل قرار می دهیم.

دفاع مقدس؛ جنگ جهانی سوم؛ تغییر نظم جهانی

انقلاب اسلامی با پیروزی خود آغازگر «عصر جدید» عالم شد. چنانکه بیانیه نیز اشاره می کند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی بُرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد ... و آغاز "عصر جدیدی" را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، ... چپ و راستِ مدرنیته [دو ابرقدرت شرق و غرب؛ اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا] ... تلاش گسترده و گونه گون برای خفه کردن آن، [انجام دادند لکن] هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند.»^۱ «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. ... در هیچ معرکه ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه ی موارد، پس از حمله ی دشمن از خود "دفاع" کرده و البته ضربت متقابل را "محکم" فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.»^۲

جنگ تحمیلی نظم سابق بین المللی را به چالش کشید و صف بندی سنتی بعد از جنگ دوم جهانی را تغییر داد. بعد از جنگ جهانی دوم دنیا بین دو ابرقدرت شرق و غرب تقسیم شده بود. هنگامی که انقلاب اسلامی با شعار "استقلال" و "نه شرقی، نه غربی" به پیروزی رسید، هر دو قطب استعمارگر علیه جمهوری اسلامی صف کشیدند و جنگی ۸ ساله را تحمیل کردند. اگر چه این جنگ به کشور عاملی نیاز داشت که حزب بعث و صدام در عراق، آن را فراهم کرد. حامیان صدام از یک سو ابرقدرت های شرق و غرب و در ذیل آنها، دول منطقه بودند. لذا دفاع مقدس به معنای واقعی سومین جنگ جهانی بود که با محاسبات درست انقلابی با پیروزی قطب بزرگ قدرت مذهبی و توحیدی بین المللی، جمهوری اسلامی ایران، و اعلام متجاوز بودن رژیم وابسته صدام و دریافت بخشی از غرامت ها به پایان رسید. بعد از خاتمه جنگ یقیناً مقاومت ایران اسلامی توانست نظم جهانی را بر هم بزند، فروپاشی قطب شرق (کمونیسم) را اعلام و قطب جدید قدرت خود را تثبیت و بر خلاف اراده نظام سلطه بر آنها تحمیل کند. این مهم به صورت دقیق و حساب شده ای در پیام بسیار مهم و راهبردی موسوم به «قبول قطعنامه» برای آینده نگاری مسیر جبهه مقاومت تا ایجاد تمدن نوین اسلامی تشریح شده است. تبیین و ارزیابی دقیق دو سویه جنگ جهانی هشت ساله علیه ایران می تواند دستگاه محاسباتی مسئولین غیر انقلابی و مردم را در حل مسائل به مراتب سهل تر و در شرایط به مراتب مساعدتر امروز در فضای بین المللی مبتنی بر همان راهبرد انقلابی مقاومت پیروزمندانه کمک رسانده و از اختلال محاسباتی و فروغلطیدن در «تحلیل سراپاغلط»^۳ مصون نماید. وضعیت نابرابر دو سویه این جنگ جهانی را می توان چنین معرفی کرد. نخست: جبهه ابرقدرت ها به نمایندگی صدام و با حامیانی از کشورهای تابع دو قطب بین المللی.

۱. حامیان رژیم بعث در جنگ**۱-۱. آمریکا و کشورهای بلوک غرب**

«زیگنیو برژینسکی» استراتژیست آمریکایی و مشاور امنیتی جیمی کارتر، ضمن تأکید بر لزوم آغاز جنگ منطقه ای علیه ایران، گزینه نظامی را راه حل مناسبی برای جلوگیری از صدور (الگو شدن) انقلاب اسلامی می دانست و معتقد بود: «آمریکا در مقابله با انقلاب ایران، باید تقویت

^۱ متن بیانیه گام دوم^۲ همان^۳ برگرفته از متن بیانیه، بخش اقتصاد

دولت‌هایی که توان انجام عملیات نظامی علیه رژیم ایران را دارا هستند مورد توجه قرار دهد.» به همین منظور، وی در ملاقاتی سری با صدام، این باور را در وی به وجود آورد که آمریکا به طور تمام قد، حامی عراق است. «گری سیک» عضو شورای امنیت ملی دولت آمریکا در زمان کارتر نیز قائل بود: «پس از واقعه گروگانگیری در تهران، دیدگاه بسیار غالبی در آمریکا و به ویژه از طرف شخص برژینسکی وجود داشت که ایران را باید به طور همه‌جانبه تنبیه کرد. بیانیه‌های عمومی که او صادر می‌کرد، بر این مضمون تأکید داشتند که آمریکا مانعی بر سر تحرکات عراق بر ضد ایران نمی‌بیند.»

به علاوه، اسناد مختلفی از کمک‌های اطلاعاتی دولت «رونالد ریگان» به صدام وجود دارد. تنها هشت روز پس از آغاز تهاجم به خاک ایران، پنج هواپیمای شناسایی آواکس متعلق به نیروی هوایی آمریکا برای شناسایی عملیات‌های هوایی ایران و اطلاع‌رسانی آنها به ارتش عراق، تحویل عربستان سعودی شد. در همین راستا سازمان سیا (CIA) هم از ابتدای جنگ، تصاویر هوایی ماهواره‌ای از مواضع نیروهای نظامی و تأسیسات نفتی ایران را در اختیار رژیم بعث عراق قرار می‌داد.

تجهیز نظامی، تنها یک بعد حمایت آمریکا از صدام در طول جنگ محسوب می‌شود. علاوه بر این، ایالات متحده، اعتباری به مبلغ ۸۴۰ میلیون دلار برای واردات مواد غذایی در اختیار عراق قرار داد تا در ادامه جنگ، اذهان داخلی عراق بر ضد جنگ با ایران تحریک نشود. همچنین از سوی آمریکا وامی به مبلغ یک میلیارد دلار برای خرید و ساخت سلاح به عراق واگذار شد. خارج کردن عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم، اقدام دیگری بود که به تجهیز تسلیحاتی عراق کمک کرد. علاوه بر این، آمریکا، سعودی را تشویق کرد تا با کاهش قیمت نفت، ایران را از مهم‌ترین منبع تأمین هزینه‌های جنگ، محروم کند. صدام در طول جنگ، با دریافت بیش از ۶۰ میلیارد دلار از دول غربی، نیازهای اقتصادی وابسته خود را تأمین می‌کرد. آمریکا علاوه بر تجهیز عراق، تلاش‌هایی را در جهت محکومیت ایران در سازمان‌های بین‌المللی و جلوگیری از انتقال مواضع به حق مسئولین ایرانی به دیگر کشورها و سازمانها انجام می‌داد. حمایت دول غربی و در راس آنها آمریکا از صدام، موجب شعله‌ورتر شدن آتش جنگ می‌شد.

علاوه بر آمریکا، برزیل، انگلیس و آرژانتین که در صنعت نظامی تقریباً پیشرفته بودند تسلیحاتی را در اختیار عراق قرار می‌داد. ایتالیا و بلژیک با ارسال موشک‌های پیشرفته ضد زره و کمک به ساخت توپخانه دوربرد و بخش‌های دیگر ارتش صدام از جمله حامیان وی بودند. فرانسه نیز گرچه در آغاز جنگ اعلام بی‌طرفی کرد، اما منابع و آمارها نشان می‌دهد که این کشور ۴/۷ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار رژیم بغداد قرار داد. همچنین به منظور تجهیز صدام، هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های لیزری که از آخرین دستاوردهای صنعت نظامی فرانسه بود در اختیار ارتش عراق قرار گرفت. بحث در هیأت دولت فرانسه درباره امکان حمایت از دستیابی محدود عراق به سلاح هسته‌ای در جنگ نیز دلیلی دیگر بر حمایت فرانسه از صدام بود. آلمان نیز از دیگر کشورهایی بود که با ارسال مواد شیمیایی در جنگ صدام علیه ملت ایران شرکت کرد. به طوری که عراق را قادر ساخت تا شش هزار تن بمب شیمیایی علیه ایران به کار گیرد. براساس اسناد معتبر، انگلیس و آمریکا بیشترین نقش را در تجهیز صدام، حتی پس از جنگ علیه ایران ایفا کردند. «هیتی» معاون وزیر دفاع انگلیس در این باره می‌گوید: «تمام تلاشمان را به خرج دادیم تا رابطه را گرم نگه داریم. طی جنگ هشت ساله صدام علیه تهران، به طور متوسط هر سال ۴۰ خلبان نظامی عراقی در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا، آموزش می‌دیدند و شرکت‌های خصوصی، نظیر هواپیمایی CSI هم بر این دوره‌ها نظارت داشتند.» البته علاوه بر فهرست فوق باید کشورهایی چون سوئیس، سوئد، لهستان، یوگسلاوی، رومانی، سنگاپور و ... را نیز به حامیان صدام اضافه کرد.

۱-۲. شوروی (سابق) و کشورهای بلوک شرق

اما عجیب‌ترین اتفاق قرن، همسویی و همکاری دو ابرقدرت شرق و غرب در جنگ تحمیلی بود. آمریکا و شوروی که پس از جنگ دوم جهانی به ظاهر درگیر «جنگ سرد» بودند، مشترکاً در صف حامیان صدام قرار گرفتند. در این میان اتحاد جماهیر شوروی نیز همچون آمریکا، ارسال انواع کمک‌های تسلیحاتی، نظامی و مالی به صدام را جزو برنامه‌های خود قرار داد.

پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی، بالگرد، تانک و سلاح‌های دیگر از جمله تسلیحات ارسالی شوروی بود. علاوه بر این فرماندهان ارتش شوروی با حضور در بغداد، آموزش‌های لازم را به ارتش صدام ارائه می‌دادند. حدود ۸۵ درصد تجهیزات استفاده شده توسط عراق در حمله به ایران، ساخت شوروی بود. بیش از چهارصد تانک تی ۵۵، سیصد موشک زمین به زمین اسکاد بی، هزار تانک تی ۶۲ بیش از پانصد تانک پیشرفته تی ۷۲ و نزدیک به دویست فروند انواع هواپیماهای میگ تنها بخشی از کمک‌های شوروی سابق به عراق در جنگ با ایران بوده است. در کنار کمک‌های مستقیم نظامی، صدام برای توسعه برنامه موشکی بالستیک خود توانست کارشناسان موشکی شوروی را به عراق

دعوت کند. حضور این کارشناسان گرچه هیچ گاه به تکنولوژی ساخت موشک‌های بالستیک منجر نشد، اما نشانه روشنی از پشتیبانی همه‌جانبه شوروی از عراق بود. چین و کشورهای دیگری از بلوک شرق نیز در زمره حامیان صدام بودند.

۱-۳. رژیم‌های مرتجع منطقه

رژیم‌های پادشاهی منطقه با دارا بودن ذخایر عظیم نفت، حامی مالی عراق محسوب می‌شدند. صدام در بازجویی پس از دستگیری، در فوریه ۲۰۰۴ م. اعتراف کرد: بسیاری از کشورهای عربی در طول جنگ، وی را از لحاظ مالی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دادند. روزنامه «گاردین» انگلیس به نقل از منابع فلسطینی در بیروت می‌نویسد: «ملک حسین شاه اردن، حدود پنج هزار از نیروهای خود را به عراق اعزام داشت تا وظایف امنیت داخلی را به عهده بگیرند تا سربازان عراقی برای رفتن به جبهه جنگ با ایران آزاد باشند. ملک حسین اولین رهبر یک کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق به طرفداری از عراق برخاست تا جایی که در جریان عملیات بیت المقدس، تعدادی اردنی در میان ارتش عراق نیز به اسارت رزمندگان ایرانی درآمدند.»

علاوه بر این ملک حسین، ضمن دیدارهای متعدد حامل پیام‌های آمریکا به بغداد بود. بندر عقبه اردن در دریای سرخ برای ارسال سیل کمک‌های تسلیحاتی غرب به صدام اختصاص یافت. همچنین چهل هزار سرباز مسلح اردنی برای عزیمت به جنگ در مرز اردن با عراق مستقر شدند. و ملک حسین که نظامیان اردن را برای سرکوبی مردم مسلمان ایران به عراق گسیل داشته بود، در نطقی اظهار داشت: «اگر ضرورت ایجاد کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد.»

علاوه بر اردن، کویت نیز جزو حامیان جدی صدام محسوب می‌شد. این کشور نه تنها خاک و پایگاه هوایی خود را در اختیار عراق گذاشت بلکه ۱۴ میلیارد دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض به عراق داد و این علاوه بر نفتی است که کویت برای عراق صادر می‌کرد. «شیخ الصباح» یکی از سفرای کویت در آمریکا، در رابطه با میزان این کمک‌ها عنوان کرده بود: «کویت چهارده میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از شانزده میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است.» امارات عربی یک میلیارد دلار و قطر پانصد میلیون دلار تا اواخر سال ۱۹۸۱ م. به عراق کمک کردند. کویت و عربستان همچنین به منظور حمایت مالی از صدام توافق کردند تا از سال ۱۹۸۲ عایدات صدور نفت از منطقه بی‌طرف روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه به حساب عراق ریخته شود.

عربستان سعودی که در این دوران ارتباط ویژه‌ای با آمریکا برقرار کرده بود با کاستن از قیمت نفت، تنها منبع درآمد ایران را به حداقل رساند. به علاوه مقامات عربستان مرتب با صدام ارتباط برقرار کرده و او را دلگرم می‌کردند. برای نمونه، پادشاه وقت، ملک خالد، در گفت‌وگویی تلفنی با صدام در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰، حمایت کشورش از وی را اعلام کرد. عربستان را باید اصلی‌ترین حامی عربی عراق در دوران جنگ محسوب کرد به طوری که از مجموع کمک‌های مالی هفتاد میلیارد دلاری کشورهای خلیج فارس به عراق در زمان جنگ با ایران، بیش از سی میلیارد دلار سهم عربستان بود.

حسنى مبارك رئيس جمهور مصر نیز معادل ۳/۵ میلیارد دلار موشک و تسلیحات در اختیار صدام قرار داد. سودان نیز در اواسط دی ۱۳۶۱ صدها تن از سربازان ارتش خود را به جنگ علیه ایران اعزام کرد. همچنین به دستور جعفر نمیری رئیس جمهور سودان در شهر خارطوم پایتخت این کشور و پاره‌ای از شهرهای دیگر دفاتری جهت ثبت‌نام برای اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ علیه ایران دائر شد. جعفر نمیری در مصاحبه با مجله الیوسف چاپ قاهره اذعان داشت که اعزام نیرو به عراق طبق تصمیمات کنفرانس سران عرب صورت گرفته است.

لیبی نیز گرچه در ابتدای جنگ، خود را حامی ایران معرفی کرد اما پس از مدتی با تغییر رویه، در جمع متحدان صدام قرار گرفت. حکومت یمن از ابتدا خود را همسو با عراق معرفی کرد. سرلشکر «وفیق السامرای»^۴ مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق در این رابطه اظهار داشت: «در جهت کمک به عراق، یمن تیپ پیاده العروبه را به عراق فرستاده بود. اردن نیز نیروی الیرموک را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام کرد که در جبهه شرقی رودخانه میسان در خط مقدم جبهه فعالیت می‌کردند.» علاوه بر این کشورها باید به بحرین، عمان، مراکش، الجزایر و سومالی نیز به عنوان حامیان منطقه ای صدام اشاره کرد.

۲. شرایط ایران در آغاز جنگ

۱-۲. وضعیت اقتصادی

^۴ نویسنده کتاب ارزشمند «ویرانی دروازه شرقی».

مروری بر مهم ترین شاخص های اقتصادی در آستانه وقوع جنگ تحمیلی نشان می دهد اقتصاد ایران به واسطه تغییرات مهم در سیاستگذاری ها با فشار و تنگناهایی روبرو شده بود. کاهش تولید نفت برای یک کشور متأسفانه وابسته به صادرات نفت خام و از دست رفتن بازارهای صادراتی و تلاش نظام سلطه برای عادی سازی شوک نفتی متعاقب این کاهش تولید، عامل مهمی برای تحلیل بنیه اقتصادی ایران بود. ایران در حالی از پس اداره جنگ هشت ساله با نظام سلطه که به عبارت دیگر طولانی ترین جنگ کلاسیک جهان در قرن حاضر بود، برآمد که شاخص های اقتصادی چنین قدرتی را به تصویر نمی کشید. بالا رفتن نرخ تورم، اقتصاد کوپنی و سهمیه بندی، مقابله با محتکران و گرانفروشان، اقدامات تعزیری برای کنترل بازار، اتخاذ سیاست تعاونی، قیمت دو برابری دلار در بازار آزاد نسبت به قیمت رسمی آن که هفت تومان بود. وقوع شرایط جنگی و کاهش صادرات نفت و کم شدن درآمدهای ارزی کشور قیمت دلار را در سال ۱۳۵۹ به ۲۰ تومان هم رساند. اقتصاد از هر سو با هجوم و فشار روبرو بود. تشدید فشار خروج سرمایه از کشور، عدم تمایل برای سرمایه گذاری در کنار بحران های سیاسی و آغاز جنگ دست به دست هم داد تا رشد منفی سه ساله ای از سال ۵۷ تا ۶۰ بر اقتصاد تحمیل شود. از سال ۶۱ به دلیل افزایش صادرات نفت رشد اقتصادی مثبت شد.^۵

سایر مشکلات اقتصادی کشور عبارت بود از:

- معلق ماندن قراردادهای اقتصادی به کشورهای غربی که عمدتاً در زمان رژیم پهلوی منعقد شده بود،
- فرار بخشی از کارشناسان فنی وابسته به خارج از کشور
- فقدان نهادهای انقلابی که بتوانند اندیشه اقتصاد انقلاب اسلامی را به اجرا در آورند
- مسدود شدن دارایی های ایران در بانک های آمریکا و تحریم اقتصادی

شاخص های اقتصادی نشان می دهد عبور از تنگناهای اقتصادی به رغم دشواری فراوان لکن به دلیل حمایت مردمی اتفاق افتاد.

۲-۲. وضعیت سیاسی و امنیتی

به دلیل وقوع انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷، و اخراج آمریکا از کشور در ۱۳ آبان ۵۸، ایران در معرض دو عملیات سیاسی و نظامی برنامه ریزی شده از جانب آمریکا قرار گرفت: ۱. عملیات حمله نظامی ۵ اردیبهشت ۵۸ در صحرای طبس و ۲. کودتای نظامی نوژه در همدان. پس از شکست هر دو عملیات طرح حمله نظامی به ایران در دستور کار قرار می گیرد. یکی از کارشناسان نظامی آمریکا می گوید: «آمریکا به بررسی عملیات احتمالی نظامی از قبیل محاصره دریایی و هوایی و جنگ در بیابان پرداخته است.»

به رغم ادعاهای نادرستی که همواره جنگ را محصول حاکمیت انقلابیون بر دولت معرفی می کند، جنگ تحمیلی مقارن حاکمیت لیبرالها بر دولت به وقوع پیوست. دوران حاکمیت لیبرالها از نخست وزیری مهندس بازرگان تا عزل بنی صدر در تیرماه ۱۳۶۰ ادامه یافت. بازرگان و بنی صدر در سیاست خارجی معتقد به عادی سازی روابط با آمریکا و در سیاست داخلی معتقد به سیاست تسامح و تساهل بودند. از سوی دیگر دولت آمریکا ضمن مثبت ارزیابی کردن روند تحولات داخلی در ایران ابتدا از طریق دخالت در اغتشاش های مناطق مرزی کردستان، گنبد و ... و سپس تحمیل جنگ ضمن مشغول کردن نیروهای انقلابی درصدد تثبیت موقعیت لیبرالها و از آن طریق تسهیل شرایط تغییر حکومت و بازگشت مجدد به جزیره زرخیز ثبات خویش در منطقه، یعنی ایران، بودند. رئیس جمهور لیبرال مسلک وقت، بنی صدر، نه تنها هیچ برنامه ریزی عملیاتی کوتاه مدت و بلند مدتی برای دفع تجاوز دشمن که بخش قابل توجهی از مناطق غرب و جنوب را در اشغال داشت، ارائه نکرد، بلکه علت این ناتوانی را نیز مزاحمت و کارشکنی نیروهای انقلابی معرفی می کرد. وی در سخنرانی ۱۴ اسفند می گوید: «در داخل کشور کسانی هستند که موافق پیروزی ما در این جنگ نیستند و پیروزی ما را خطرناکتر از پیروزی دشمن می دانند. اینها که نمی آیند به طور علنی بگویند ما با پیروزی نیروهای مسلح مخالفیم آنها عمده کوشش خود را صرف تضعیف رئیس جمهور و شکستن روحیه نیروهای مسلح ما کرده اند و هر روز یک دروغ را می سازند و می روند از تریبون هایی که دارند در میان مردم شایع می کنند.» راهبرد بنی صدر، تشدید اختلافات داخلی در لحظه هجوم بی امان دشمن، مخالفت با تجهیز نیروهای انقلابی بسیج مردمی و سپاه پاسداران، و در نهایت تز غیر انقلابی و خائنه «زمین دادن و زمان خریدن» بود. بدین وسیله تفکر سازش کارانه و غیر انقلابی وی منجر به از دست رفتن بخش قابل توجهی از تمامیت ارضی ایران شد که اگر مجاهدت و شهادت اراده نیروهای انقلابی نبود هیچ گاه از اشغال دشمن خارج نمی شد.

^۵ روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷/۰۷/۰۱

۲-۳. وضعیت نظامی

وضع نظامی ایران به مراتب ناامید کننده تر از اوضاع اقتصادی و سیاسی بود. ارتش بعد از پیروزی انقلاب دچار تحولات عمده ای گردید. ساختار پیشین ارتش متناسب با منافع آمریکا در منطقه بود و نمی توانست در اختیار اهداف انقلاب اسلامی باشد. مشکلات ارتش در چند بخش عبارت بود از:

- خروج کارشناسان نظامی و فرار فرماندهان که فنون نظامی کلاسیک را در اختیار داشتند به خارج از کشور
- تفکر غیر انقلابی بازرگان مبنی بر کاهش نیروهای ارتش؛ وی در ۱۳۵۸/۰۲/۰۹ اعلام داشت ارتش به ۵۰ هزار نیرو نیاز ندارد و تعداد کاهش خواهد یافت
- اقدام مشکوک به خیانت بازرگان در زمینه لغو قراردادهای نظامی از قبیل لغو قرارداد خرید شش فروند زیردریایی از آلمان و لغو قراردادهای نظامی آمریکا که در مجموع کاهش توان نظامی و عدم امکان توسعه طرح های ساختاری ارتش هدف آن بود
- تصمیم غیر انقلابی مبنی بر کاهش مدت سربازی به ۱۲ ماه و اعزام کادرهای ارتش به محل های سکونت خود که سازمان ارتش را دچار تزلزل کرد
- شعار انحلال ارتش از سوی گروهک های مخالف نظام، هماهنگ با سیاست کاهش توان دفاعی ارتش از سوی لیبرالها که همواره هدف شان تضعیف قدرت درونی و شعار ما نمی توانیم هست،
- کودتای آمریکایی نوژه و فرار تعدادی از عناصر ارتشی کودتا در تیرماه ۱۳۵۹ به خارج از کشور به ویژه عراق که اطلاعات ارزشمند توان دفاعی کشور را در اختیار دشمن قرار داد

بنابراین دشمنان بر این باور بودند که ارتش ایران کارایی لازم را ندارد و ضربه پذیر خواهد بود. اگر چه سپاه پاسداران در کنار ارتش ایجاد شد لکن توان سپاه نیز درگیر بحران های مرزی استان های کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان در کنار شورش های آذربایجان و ترکمن صحرا بود و به هر صورت توان دفاعی کشور مهیای دفع هجوم سراسرس دو ابرقدرت بین المللی با پشتوانه ارتجاع منطقه نبود. به همین دلیل بود که دستگاه محاسباتی دشمن جنگی سه روزه منجر به فتح ایران را در سر می پروراند؛ لکن جنگی شد که نه سه روز، سه ماه، سه سال بلکه هشت سال معادل ۲۸۸۸ روز به طول انجامید و با پیروزی مقاومت اسلامی ایرانیان به پایان رسید.

۳. مقایسه هزینه مقاومت و سازش

مقاومت اسلامی در ایران برای رسیدن به عزت و اقتدار امروز خود که می توان گفت مستقل ترین و امن ترین کشور جهان، ابرقدرت منطقه و قدرتی تعیین کننده در نظام بین الملل است هزینه هایی پرداخته است لکن این هزینه در برابر هزینه ای که کشورهای تحت سلطه و سازش گر پرداخته اند بسیار اندک و غیر قابل مقایسه است. مطابق آمار، تعداد ۵ میلیون رزمنده ایرانی در جنگ شرکت کرده اند که از این تعداد شهدای دفاع مقدس ایران ۱۸۸ هزار و ۱۵ نفر است.^{۶۶} همچنین مجموع شهدای انقلاب اسلامی ۶ هزار و ۶۶۳ نفر است. در نقطه مقابل اگر چه آمار رسمی تلفات انسانی عراق چندان آشکار نبود ولی برای نخستین بار یاسین المعموری رئیس جمعیت هلال احمر عراق اعلام کرد: «جنگ هشت ساله علیه ایران بیش از یک میلیون کشته و یک میلیون زخمی برای عراق داشت.»^{۶۷} همچنین کشته های عراق در برابر حمله آمریکا بر اساس بررسی نهاد انگلیسی با نام Opinion Research فقط تا سال ۲۰۰۸ بالغ بر یک میلیون نفر برآورد شده است.^{۶۸} این در حالی است که همه عراقی ها در بدو حملات آمریکا در برابر آنها مقاومت نکردند. یک پایگاه تحلیلی آمریکایی با استناد به تحقیقات مجله معروف پزشکی اعلام کرد: «شمار کشته های عراقی در جنگ آمریکا به یک میلیون و ۴۵۵ هزار و ۵۹۰ نفر» رسید. عجیب آنکه پس از گذشت ۱۶ سال از آغاز هجوم آمریکا به عراق، علاوه بر غارت منابع نفتی این کشور بی ثباتی، جنگ و کشتار وجود دارد و اگر تشکیل نیروی مقاومت مردمی نبود، این آمار به مراتب بیشتر می شد.

^{۶۶} خبرگزاری ایرنا به نقل از سرهنگ جعفری جانشین بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۹۳/۰۶/۳۰

^{۶۷} مهر نیوز، ۱۳۹۱/۰۷/۰۱

^{۶۸} به نقل از فارس نیوز، ۱۳۹۰/۰۹/۲۵

ابرقدرت شدن؛ فایده مقاومت و گاو شیرده شدن فایده سازش

نکته ای که در جمع بندی و نتیجه گیری این مطلب باید متذکر شد این است که اگر کشوری می تواند در یک جنگ جهانی و با تفاوت بسیار زیاد و نابرابر به پیروزی بر جبهه جهانی مستکبرین نائل گردد در شرایط اقتدار و برتری به طریق اولی می تواند بر اساس همان راهبرد (مقاومت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) به پیروزی دست یابد. این یادداشت را با تحلیلی از استراتژیست آمریکایی برژینسکی درباره پیام قطعنامه امام خمینی(ره) به پایان می بریم. وی می گوید: «روزی رهبر فقید ایران اذعان می کرد که جنگ عراق علیه ایران برای این کشور نعمت است، چندی بعد از آن به ترکیه سفری داشتم و با مقامات این کشور رایزنی می کردم. یادم هست یکی از مقامات ارشد این کشور (ترکیه) با لحن تمسخر آمیزی به من گفت: «بروید و در آمریکا مقدمات پذیرش امپراطوری عثمانی را مهیا کنید. دیگر با این جملات (اشاره به متن سخنان رهبر فقید ایران که روی میزش بود درباره نعمت خواندن جنگ) ایران رقیب جدی برای ما در منطقه نیست!»

برژینسکی می افزاید: «من همان موقع به نادانی آن مقام ترک در دل خندیدم! همانطور که بارها اعلام کرده ام کشوری که سی و چند سال تحت شدیدترین فشارها و تحریمها بوده و اکنون با این همه مشکلات رتبه هفدهم اقتصاد جهانی است، دانش هسته ای را نهادهینه کرده، در سلولهای بنیادی جزو پیش قراولان جهان است، پنجمین ارتش و قوای مسلح نظامی جهان را دارا است، خاور میانه کاملاً تحت نفوذ و سیطره آنهاست. من اعتماد راسخ دارم این کشور با این ظرفیتها و توان بومی در آینده ای، نه چندان دور، احیاگر تمدن بزرگ اسلامی-ایرانی مورد نظر آیت الله خمینی می شود. حالا کجایند حکام شیرین مغز ترک که با کودتایی چند ساعته قافیه را به ارتش خود باختند! غرب اگر جرات دارد ایرانیها را بحال خود وانهد! نه کمکشان کنند و نه مزاحمشان شوند!! آنوقت من پیرمرد حتما امپراطوری پارس را به چشم خواهم دید!

امروز باید پرزیدنت اوباما، رییس جمهور اولاند، نخست وزیر نتانیاهو، صدر اعظم مرکل و نخست وزیر مستعفی دیوید کامرون و مقامات بلژیک و روسیه بروند و از مقامات ایران وقت ملاقات بگیرند و آنها (ایرانیها) اگر صلاح دانستند به آنها یاد بدهند که چگونه کشورشان را که در محاصره جهنم تروریسم و افراطی گری و وحشی گری گروه های خود سر در همسایگی شان است، اینقدر با صلابت امن کرده اند، امروز ایران یکی از امن ترین و با ثبات ترین کشورهای جهان است و دولتمردان غرب به بیراهه نروند.»^۹

این نقشه راه عزت و سیادت ای است که رهبر کبیر انقلاب آن را در پیام بین المللی قطعنامه، به سیاستمداران لیبرال مسلک و مسلمانان مظلوم سازش پذیر نشان دادند. اولاً ایشان تصریح نمودند که اگر ملی گراها و لیبرال ها در رأس جنگ بودند به راحتی کشور را تسلیم دشمن می کردند و دست ذلت و سازش به دشمن می دادند و به همه میثاق های ملی و وطن پرستانه شان پشت پا می زدند. و ما نیز راه سازش با جهانخواران را بلدیم ولی هیئات که خادمان اسلام به «ملت» خود خیانت کنند. آنگاه راه کسب منافع و اقتدار و ابرقدرت شدن و تمدن نوین اسلامی را برای امت مستضعف اسلام چنین تبیین می کنند: «مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پر شور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی خصوصاً آمریکا را بر خود حرام کنید.» «مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه منافع خود حادثه ای را به وجود می آورند. راستی اگر مسلمانان ... لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت ها و خصوصاً آمریکا را شکست... که انشالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست های حاکم و ظالم جهانخواران... به همه مسلمین عنایت فرماید... امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ های سفید و سرخ را از بین خواهند برد.»

^۹ به نقل از: خبرگزاری تسنیم.